

بیانیه پیرامون

آتش بس و مرزهای بین المللی

هموطنان عزیز

در پی تلاشهای سازمان ملل متحد و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب ایران رژیم عراق با استفاده از شرایط خاصی که موجب پذیرش قطعنامه از طرف ایران گردید، به تهاجم و تجاوز به داخل مرزهای کشورمان پرداخت و اگر چه با مقاومت و ایثارگری یکپارچه ملت ایران روبرو شد و مجبور به عقب‌نشینی گردید. اما در صحنه دیپلماسی به زور آزمائی جدیدی پرداخت و سعی کرد تا از عملیات نظامی تجاوزگرانه خود امتیازات سیاسی کسب نماید و قبول آتش بس را به آغاز مذاکره مستقیم بین عراق و ایران مشروط نمود. به نظر می‌رسد که هدف عراق از این رهگذر تعیین تکلیف مرزهای بین‌المللی میان دو کشور قبل از هرگونه اقدامی در راستای اجرای قطعنامه می‌باشد.

در حالیکه مرزهای بین‌المللی بین دو کشور بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین و مورد توافق طرفین قرار گرفته است و ایران همانطور که برخی از مقامات مسئول هم گفته‌اند جا داشت بر این امر تکیه می‌کرد و آغاز مذاکره مستقیم را نه بعد از قبول و اجرای آتش بس، بلکه اجرای مفاد مواد ۱ تا ۳ قطعنامه، یا حداقل ماده یک آن موکول می‌نمود، خصوصاً که در برنامه اجرائی دبیرکل سازمان ملل نیز به قرارداد ۱۹۷۵ در مورد مرزهای بین‌المللی شناخته شده تصریح گردیده است.

اهمیت و حساسیت این امر در این است که به موجب ماده ۱ بعد از اعلام آتش بس نیروهای طرفین بلافاصله باید به پشت مرزهای بین‌المللی شناخته شده برگردند. قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق تکلیف مرزهای بین‌المللی بین دو کشور را روشن ساخته است. این قرارداد در سازمان ملل به ثبت رسیده است. ایران از یک موقعیت ممتازی در این مورد برخوردار است و می‌بایستی حرکت سیاسی خود را به گونه‌ای تنظیم و اجرا می‌کرد که قبل از آغاز مذاکرات مستقیم، نیروهای طرفین بر طبق ماده ۱ قطعنامه به مرزهای شناخته شده بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ باز می‌گشتند. آتش بس تنها قسمتی از ماده ۱ قطعنامه است و قبول مذاکره مستقیم بعد از آتش بس و قبل از برگشت نیروها به مرزهای بین‌المللی شناخته شده باعث آن می‌گردد که "مرزهای بین المللی" اولین دستور مذاکرات مستقیم بشود. با توجه به شرایط و وضعیت خاصی که منجر به قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران شد، طرح مسئله "مرزهای بین‌المللی" در مذاکرات مستقیم، ایران را بالاجبار به مسائلی خواهد کشانید که در نهایت به نفع ایران نخواهد بود. عراق نمی‌خواهد به توافقنامه ۱۹۷۵ گردن بنهد و جمهوری اسلامی ایران هم نمی‌بایستی آنچه را که در رژیم سابق به نفع ایران توافق شده است از دست بدهد. به این دلایل نهضت آزادی ایران بر این باور است که مقامات تصمیم گیرنده ایران می‌بایستی مذاکرات مستقیم را موکول به اجرای کامل ماده یک قطعنامه می‌کردند.

نهضت آزادی ایران همچنین اعلام می‌دارد که بعد از قبول قطعنامه توسط ایران و اعلام و اجرای

آتش‌بس و آغاز مذاکرات مستقیم، مسائل و موضوعات در این مرحله از ختم جنگ از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است و هر گونه ساده‌اندیشی و ساده‌نگری از جانب اعضای مذاکره‌کننده و تصمیم‌گیرندگان ایران موجب زیانها و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای ملت و مملکت خواهد شد.

لذا ضروری است که اولاً هئیت مذاکره‌کننده ایرانی از کسانی تشکیل شود که هم تجربه کافی و هم در مسائل مورد بحث، از قبیل مرزهای بین‌المللی، تخصص و دانش لازم را داشته باشند و از کارشناسان ورزیده‌ای که عرق ملی و میهنی دارند حتماً استفاده گردد.

ثانیاً فشار سانسور از رسانه‌های گروهی برداشته شود تا همه اقشار ملت و صاحب‌بنظران و علاقمندان بتوانند از مسائل و پیشرفتهای حاصله و توافقاتها مطلع شده و اظهار نظر نمایند.

مردم نگران آنند که خدای ناکرده در پایان جنگ، توافقاتی به مراتب بدتر از موافقت‌نامه‌های معروف به الجزایر در پایان گروگانگیری، به ایران تحمیل و یا پذیرفته شود که در آن صورت ابعاد پیامدهای آن به مراتب وسیع‌تر و خطرناکتر از پیامدهای بیانیتهای الجزایر خواهد بود.

نهضت آزادی ایران